

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1393/12/23



موضوع: مطهریت شمس

درباره مطهریت شمس بحث می کردیم. گفته شد که اشراق شمس از مطهرات است نصاً و فتواً و اجماعاً. نصوصی که در این رابطه بود باب 29 از ابواب نجاسات و سائل الشیعه که در این باب ده تا روایت آمده دال بر این مطلب فی الجمله و مسئله هم از لحاظ فتوا مفتی به است و اختلافی هم دیده نمی شود. اجماع هم گفته شده است.

سه جهت بحث در مسئله

گفتیم که در این مسئله سه جهت بحث وجود دارد:

جهت اول مطهریت نه عفو

جهت اول مطهریت نه عفو. که در این رابطه در این جهت بحث کامل شد و گفتیم طبق آنچه در متن آمده است اشراق شمس مطهر است نه موجب عفو. جهت دوم و سوم عبارت بود از اینکه شمس که مطهر است، فقط اختصاص دارد به زمین یا غیر از زمین اشیای دیگری را هم تطهیر می کند. جهت سوم هم این بود که تطهیر اشراق شمس اختصاص دارد به متنجس به بول یا سایر متنجسات را هم شامل می شود.

جهت دوم بررسی مطهریت اشراق شمس نسبت به ارض و خارج ارض

جهت دوم بررسی مطهریت اشراق شمس نسبت به ارض و خارج ارض. بحث در این است که دلیل اعتبار مطهریت اختصاص دارد به تطهیر زمین متنجس که اشراق شمس فقط زمین متنجس را تطهیر می کند یا نه اشیای دیگری که در زمین باشد هم به توسط اشراق شمس تطهیر می شود. و در این رابطه متن این است که می فرماید: «و هی تطهر الارض و غیرها من کل ما لا ینقل کالابنیه و الحیطان و ما یتصل بها من الابواب و الاخشاب و الاوتاد و

الاشجار و ما علیها من الاوراق و الثمار و الخبروات و النباتات ما لم تقطع و ان بلغ اوان قطعها بل و ان صارت یابسه ما دام متصله بالارض». می فرماید: این شمس مطهر است برای ارض. زمینی که متنجس باشد به توسط اشراق شمس تطهیر می شود که شرحش را مفصل داشتیم. و تطهر غیرها و غیر این ارض را هم تطهیر می کند منتها این غیر ارض چه باشد؟ شرح می دهد که آن اشیاء و چیزهایی که در زمین ثبات دارد و اتصال دارد و جدا از زمین نیست. قابل نقل و انتقال نیست مثل بناها و حیاط های دیوار. و چیزی که متصل به آن حیطان و ابنیه مثل درها و چوب ها و طناب ها و درخت ها و آنچه که در آن درخت هاست از اوراق برگ درخت، میوه درخت، سبزیجات، گیاهان، تا وقتی که از زمین قطع نشده باشد و تا وقتی که برگ و میوه از درخت قطع نشده باشد. هرچند رسیده باشد وقت قطع کردن شان، سبزی را باید درو کنند، میوه را باید بچینند و قتش رسیده. رسیدن وقت جدایی نمی آورد، هنوز هم جزء متصل به زمین است. بل و ان صارت یابسه بلکه هرچند درخت و میوه و سبزی خشک بشود تا وقتی که متصل به زمین است یا وقتی متصل به درخت ها است، همان حکم را دارد، به توسط اشراق شمس تطهیر می شود. «و کذا الظروف المثبتة فی الارض أو الحائط» همینطور است ظروفی که ثابت شده باشد یعنی وصل باشد چسبانده شده به زمین یا به دیوار. ظروفی برای سیل آب برای مردم مثلاً. و همینطور آن چیزی که در دیوار و بناها مرتبط شده است و متصل است. از چیزهایی که پوشش داده بر آن زمین مثل گچ و آسفالت و نحوهما «عن نجاسة البول بل سایر النجاسات و المتنجسات» که جهت سوم شد. جهت اول و مثال هایش را شرح دادیم، فتوا و متن این شد که زمین و آنچه متصل و مرتبط به زمین است که قابل نقل و انتقال نیست مثل در خانه و درخت، میوه درخت، برگ درخت، طناب، چوبی که برای مثلاً سایه بان درست بکنند. ستون های چوبی، همه چیزهایی که به زمین ارتباط مستحکم دارد قابل نقل و انتقال نیست اینها پاک می شوند و محکوم به طهارتند.

سوال:

پاسخ: اشراق مستقیم باشد و جفاف هم به وسیله اشراق صورت بگیرد. فتوایی که در متن آمده آنچه که از بیان ایشان استفاده می شود و دلیلی در این رابطه ارائه کرد این خواهد بود که منظور نظر شریف سید طباطبایی یزدی قدس الله نفسه الزکیه این باشد که این متعلقات اولاً جزء زمین به حساب می آید. و بر فرض تنزل قاعده تبعیت اینجا کارگشاست و جزء توابع زمین است. برای زمین که مطهریت اشراق نصاً و فتواً ثابت شده است، این اشیاء جزء زمین حساب می آید لذا قابل تطهیر به وسیله شمس است. و اگر هم تنزل بکنیم تبعیت جای خودش را دارد، زمین و آنچه تابع زمین است. شاید بگوییم از ابرز مصادیق تابع همین اشیایی است که به زمین وصل شده، مثل چوبی که به زمین وصل شده و فرو رفته و ثابت شده برای کاری طبیعتاً تابع زمین است در احکام. این ظاهر فتوا و دلیلی که به شکل کلی می توانیم در این رابطه ارائه بدهیم.

تمام اشیاء غیر از زمین که غیر منقولند به توسط شمس تطهیر می شود

اما تفصیل بحث صاحب جواهر قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: از عمومی که در نصوص داشتیم و اطلاقاتی که در صحیح زراره و موثقه عمار و مضافا بر خبر حضرمی و حدیث فقه رضوی مقتضای اطلاقات این دسته از نصوص از یک سو و قاعده مساهله شرعی از سوی دیگر و سیره متشرعه در قسمتی از این موارد از جهت سوم اعلام می شود که همانطور که محقق حلی قدس الله نفسه الزکیه فرموده اند تمام اشیایی که غیر از ارض است ولی غیر منقول اند، به توسط اشراق شمس تطهیر می شود. [1] [2] اما سید الحکیم بحث مفصلی دارند بعد می فرمایند که می توانیم از اطلاقات و شهرت و نفی خلاف استفاده کنیم. که می فرماید: یکی از مستندات آن نظری است که صاحب جواهر در همان منبعی که اشاره شد اعلام می کند که «لم اعرف خلافا»، خلافی هم در مسئله وجود ندارد. بنابراین درباره اشراق شمس نسبت به تطهیر اشیای غیر منقول اشکالی وجود نداشته باشد. [3]

کلام سید الخویی

سیدنا الاستاد قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: مستند اصلی در این دو جهت یعنی هم در جهت دوم و هم در جهت سوم صحیح زراره و موثقه عمار است. برای اینکه در صحیح زراره کلمه مکان آمده و در موثقه عمار کلمه موضع آمده. موضع و مکان در زمین شامل اشیای غیر منقول هم می شود. مثلا مکانی است که با چوب فرش شده، چوب جزء زمین به طور خاص نیست که خاک و سنگ باشد. موضع هم همینطور که فرمودند می شود جایی باشد و طنابی روی آن زمین از این طرف قسمتی که برای نشستن آماده شده یک طنابی کشیده شده باشد، تکیه گاه باشد برای نشستن، این هم موضع به حساب می آید. موضع شامل این موارد می شود و از اطلاق این صحیح استفاده می شود و همینطور از اطلاق موثقه که دوتایش را خواندیم. «و عن الشمس هل تطهر الارض قال اذا كان الموضع قدرا من البول أو غیر ذلک فاصابته الشمس»، موضع شامل اشیای دیگری هم می شود که در زمین باشد. [4] اما آنچه که از نظر دلالت کامل است همان است که صاحب جواهر فرمود، خبر حضرمی بود که «ما أشرق علیه الشمس فقد طهر»، ما منقولات را استثناء کردیم اما غیر منقول قطعاً مشمول این حدیث می شود. «کل ما اشرق علیه الشمس فهو طاهر». صاحب جواهر می فرماید: مویداً به روایت فقه رضوی که «ما وقعت علیه الشمس فقد طهرتها». آن اطلاق که موید است با اطلاقی که در حدیث حضرمی است، دلیل که بتواند مدعا را به طور کامل ثابت بکند این است ولی سیدنا به سند این حدیث اشکال می کند که گفتیم. ولیکن هم صاحب جواهر می فرماید که این سند منجر است به عمل اصحاب و هم سید الحکیم می فرماید که این حدیث مورد توثیق عملی احمد بن محمد بن عیسی است. آن احمد بن محمد بن خالد برقی را به جهت نقل از ضعفاء از قم اخراج کرد آن نمی شود به حدیث ضعیف اعتماد کند.

تحقیق

اما تحقیق در این رابطه این است که باید توجه کنیم سید الحکیم فرمود این حدیث درست است و صاحب جواهر هم انجبارش را اعلام کرد. از سوی دیگر با یک تتبع دقیق می بینیم مدرک روایی برای این حکم غیر از این حدیث روایت دیگری وجود ندارد که صاحب جواهر

هم می گوید روایت دیگری علی الظاهر نیست برای مدرک. بنابراین فتوا مستند به این حدیث است. و ما گفتیم حدیث اگر ضعیف بود به اعتبار اینکه توثیق نداشت، از اعتبار نهایی که ساقط نمی شود بلکه نیمه اعتبار دارد. عمل اصحاب توثیق عملی می شود. و تایید هم از سوی روایت فقه رضوی که در حد یک موید قطعا است لذا اعتبار حدیث حضرمی بعید به نظر نمی رسد. و فتوای مشهور هم در این رابطه مبتنی بر همین حدیث است. از سوی دیگر اگر بنا بشود که این حدیث را از اعتبار ساقط بدانیم اولاً یک اطلاقی است که از مکان و موضع عرف این چیزها را نمی فهمد. اطلاق را باید عرف بفهمد. عرف از زمین درخت را نمی فهمد، از زمین در را نمی فهمد. بسیار کار مشکلی است. حالا یک موضعی که فرش از چوب باشد ممکن است آن را اگر بگیریم به اطلاق مکان و موضع وارد کنیم اما درخت و در و دیوار همه بیرون از ساختار است. ماییم و اطلاق مکان و موضع، فقط اختصاص پیدا کند به زمینی که فرش اش از چوب باشد، کار مشکلی است. بنابراین اگر به روایت حضرمی و فقه رضوی اعتماد نشود، کار را مشکل می کند. دلیل دیگری از نصوص داریم و آنچه سید الحکیم فرمود که اعتماد احمد بن محمد بن عیسی می تواند انجبار بیاورد. مضافاً بر اینکه روایتی که نقل شده است از احمد بن محمد بن محمد بن علی بن حکم و آن اسناد هم می شود اسناد شیخ کلینی. محمد بن یعقوب بن محمد بن یحیی بن احمد بن محمد بن محمد بن عیسی بن علی بن حکم، این روایات را که نقل می کنند از خود شیخ کلینی بگیرند تا محمد بن یحیی قمی تا احمد بن محمد بن عیسی قمی اشعری اینها این روایت را می بینند، درک می کنند نقل می کنند یا فقط می خواهند حدیث را منتقل کنند؟ آنها فقط وظیفه شان در حد یک وظیفه نقل نیست. توجه به معنا می کنند با آن دقتی که دارند. مطمئناً این سه نفر که پشت سر هم قرار دارند، به محتوا و صحت و صدور این روایت توجه دارد. این هم مویدی می شود برای اینکه اعتبار روایت حضرمی ثابت بشود. اما روایتی که کل سندهایی که این اجلاء نقل می کنند، اینها از آن اجلائی هستند که عمدتاً روایات ضعیف پس از این سلسله نیست، سلسله محمد بن یعقوب و مشایخش که اشعری های قمی هست، از سلسله جلیله است. لذا آنهایی که می خواهند به این توجه بکنند روات از این سلسله نیستند. این سلسله یا از ضعیف اصلاً روایت ندارند و اگر احیاناً مثل این مورد پیدا بشود این قاعده را ما داریم. لذا ما این سلسله را شیخ کلینی و مشایخش می شود سلسله جلیله. پس از که اعتبار برای این روایت ثابت شد می توانیم براساس اطلاق این دو تا روایت یعنی خبر حضرمی و خبر فقه رضوی آنچه در متن آمده است اعلام بکنیم. مضافاً بر این آنچه را که در مقام استدلال برای تحکیم متن اشاره شد اضافه کنید. که آنچه در زمین وجود دارد و وابسته و مرتبط است از باب تبعیت حکم زمین را خواهد داشت. و اما آنچه را سیدنا فرمودند نسبت به اطلاق صحیح و موثق که موضع و مکان شامل می شود به عنوان تایید مورد استناد قرار بدهیم و فتوا آنچه در متن است، اعلام بشود. این جهت دوم بود.

سوال:

پاسخ: ثبات و ارتباط این است که خود شیء یعنی ارتباط به زمین ندارد، به زمین ثبت و داخل و وارد و مرتبط نیست. مثلاً اینجا آن لوله است و آن عصا. بالوجدان است ارتباط و عدم ارتباط. عصا مثل همان لوله کنار آن لوله قرار دارد عصا مرتبط نیست، ربط و ثبات و

فرورفتگی در زمین ندارد و لوله ارتباط دارد. اما کندن و جدا کردن آن دیگر کم و زیاد ندارد یک برگ درخت را با یک تلنگری می توانید جدا کنید. یک درخت را ممکن است با تبری یک ساعت هم نتوانید یک درخت را قطع کنید. این قطع کردن زود و دیر یا روکش های محکم و آسان اینها میزان و معیار برای ارتباط نمی شود. ارتباطی که اگر علت نباشد و عاملی در کار نباشد، آن هم سر جایش مانده، آن ثبات است.

جهت سوم مطهریت شمس نسبت به متنجس به بول و یا سایر متنجسات گویا توهّم می شود متنجسی که به وسیله اشراق شمس پاک می شود، عبارت است از متنجس به بول. چون موارد نصوص بول آمده. این ذکر بول در موارد احتمال اختصاص به وجود می آورد. لذا باید بررسی کنیم که متنجس به بول فقط به وسیله اشراق شمس پاک می شود یا متنجس به چیز دیگری هم اگر باشد، به وسیله اشراق شمس قابل تطهیر است.

ادله

اما ادله صاحب جواهر قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: مطابق با متن شرائع محقق حلی که مقتضای نصوص و اطلاقات و مقتضای قاعده مساهله و صریح موثقه عمار و غیره و صریح حدیث فقه رضوی و عدم وجود خلاف عدم فرق است بین متنجس به بول و متنجس به غیر بول منتها به شرط اینکه بعد از اشراق شمس جرمی مثل خون باقی نماند. آبی متنجس شده به خمر، آب متنجس شده است به ولوغ حیوان نجس، اینها اگر به وسیله اشراق شمس خشک بشود مقتضای این ادله که گفتیم که تقریباً می شود پنج دلیل، مقتضای این ادله و مطابق با فتوای مشهور شرائع الاسلام محقق حلی و مطابق با سید یزدی عروه الوثقی حکم تطهیر است. که به وسیله اشراق شمس تطهیر حاصل می شود. فرق بین بول و غیر بول در مقتضای ادله دیده نمی شود. [5] تا اینجا حکم بیان شد و اما اشکالی که در این رابطه گفته می شد که مورد فقط بول بوده و غیر بول در روایات معتبر نیامده، جواب این است که در موثقه عمار غیر بول هم ذکر شده و در صحیح ابن بزیع هم غیر بول ذکر شده. بنابراین می توانیم بگوییم به مقتضای نصوص اگر اغماض کنیم از ادله دیگر می توان اعلام کرد که متنجس به غیر بول هم به وسیله اشراق شمس تطهیر می شود همانطوری که در متن آمده است. تطهر عن نجاسة البول بل سایر النجاسات و المتنجسات و لا تطهر من المنقولات الا الحصر و البواری که ان شاء الله فردا بحث کنیم.

[1] جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی، ج 6، ص 259.

[2] شرائع الاسلام، محقق حلی، ج 1، ص 55.

[3] مستمسک العروه الوثقی، سید محسن حکیم، ج 2، ص 78.

[4] التنقیح فی شرح العروه الوثقی، سید ابوالقاسم خویی، ج 4، ص 131 تا 133.

[5] جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی، ج 6، ص 261.